

آثار و بیانات بیمار در دنیا و آخرت

سعید داودی



سرشناسه: داودی، سعید، ۱۳۴۳.
عنوان و نام پدیدآور: آثار و برکات بیماری در دنیا و آخرت
/ مولف سعید داودی.

مشخصات نشر: قم: یقظه، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۹۶ص.

شابک: 978-600-93636-5-0: ۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: بیماری ها--جنبه های مذهبی--اسلام

رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۲ / ۶/ ۲۳۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۹۹۳۷۵

نشر یقظه

آثار و برکات بیماری در دنیا و آخرت

مؤلف: سعید داودی

انتشارات: یقظه

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ: پاسدار اسلام

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۲

صحافی: قلس

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۳۶-۵-۰

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مندرجات

۷	مقدمه مؤلف
فصل اول: بیماری؛ چرا و چگونه؟ / ۱۳	
۱۳	الف) عوامل بیماری
۱۳	۱. پرهیز نکردن
۱۷	۲. اندوه و غم
۱۸	۳. عوامل بیرونی و گوناگون
۱۹	ب) حکمت‌ها و مصالح بیماری
۲۰	۱. مصلحت الهی
۲۱	۲. کفاره گناهان
۲۵	۳. رحمت الهی
۲۷	۴. آزمایش
۲۸	۵. تأدیب
۳۰	۶. اجر و پاداش
۳۴	۷. تقرب به پروردگار
۳۴	۸. مایه اندرز
۳۵	۹. مرضی، نصیب هر مؤمن
فصل دوم: بیمار و بیماری / ۳۸	
۳۸	الف) جایگاه و مقام بیمار
۳۸	۱. بیمار در پرتو عنایت الهی
۳۹	۲. استجاب دعاي بیمار
۴۰	۳. نوشتن بهترین اعمال
۴۵	ب) وظایف بیماران
۴۵	۱. شکرگزاری
۴۸	۲. کتمان بیماری
۵۰	۳. شکایت و بی‌تابی نکردن از بیماری
۵۴	۴. آرزوی مرگ نکردن

بیماری، یکی از مسائلی است که همه انسان‌ها با آن مواجه‌اند. و طعم تلخ بلای بیماری را می‌چشند. بیماری در اسلام به عنوان زندان بدن و یکی از سخت‌ترین بلاها معرفی شده است در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌خوانیم:

«الْمَرَضُ أَحَدُ الْحَبْسَيْنِ؛ بیماری یکی از دو زندان است.»

و در روایتی دیگر می‌فرمایند:

«الْمَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ؛ بیماری، بازداشتگاه بدن است.»

هر انسانی در برابر مسئله بیماری با پرسش‌هایی از این دست، رویارو می‌شود. حکمت موجود در قرار دادن زندانی به نام «بیماری» در نظام هستی چیست؟ یا بهتر بگوییم که خداوند، انسان را به گونه‌ای بیافریند که در طول زندگی به بلای بیماری گرفتار نشود؟ اصولاً چرا انسان، بیمار می‌شود؟ آیا می‌توان کاری کرد که انسان، هیچ‌گاه به زندان بیماری گرفتار نیاید؟

مکتب نورانی اسلام که نسبت به هیچ‌یک از شؤونات زندگی بشری تفاوت نیست، در برابر این مسئله نیز دستوراتی دارد.

پاسخ این پرسش‌ها را در این کتاب با نگاهی به علت بیماری انسان، شروع کردیم که چرا انسان بیمار می‌شود؟ دانش پزشکی در پاسخ به این پرسش، عوامل مادی انواع بیماری را بیان می‌کند. گاه علت یک بیماری را وراثت، یا انتقال میکروب، یا تغذیه بد، یا عوامل دیگر از این دست می‌شمارد. اما مسئله اصلی این است که آیا آنچه در جهان طب، به عنوان عامل بیماری شناخته می‌شود، علت تامه است یا ممکن است





عوامل ناشناخته دیگری نیز در کنار این عوامل وجود داشته باشند؟ عقل انسان وجود عوامل ناشناخته را غیر ممکن نمی‌داند، هر چند اثبات این عوامل هم نیازمند دلیل است. روایات اسلامی، ضمن تأیید علل مادی بیماری‌ها و تأکید بر این که برخی بخشی از بیماری‌ها می‌توان از طریق مبارزه با علل آن‌ها، پیشگیری کرد، در کنار علل مادی، علل ناشناخته‌ای را برای بیماری‌ها اثبات می‌کنند. این علل در واقع، حکمت بیماری‌ها در نظام آفرینش است. از سویی دیگر از دیدگاه روایات اسلامی برای درمان بیماری‌ها عوامل دیگری در کنار داروهای شناخته شده وجود دارد؛ مانند دعا، صدقه و اموری از این قبیل که شناخت آن‌ها برای دانش طب، امکان پذیر نیست.

بحث مهم و اساسی که در این کتاب به آن پرداخته‌ایم آن است که حکمت و مصالح بیماری در چیست؟ با بررسی روایات این بخش به خوبی در می‌یابیم که بیماری مؤمن حکمت‌ها و مصالح گوناگونی دارد که به راحتی می‌توان آن را با مطالعه هدیه‌ای از سوی خداوند به مؤمن دانست. با مطالعه این بخش به خوبی به این نکته پی خواهید برد.

البته ذکر این نکته ضروری است که در مقابل تمامی پاداش‌هایی که درباره بیماری مؤمن به ما رسیده است، احدی حق ندارد از خداوند بیماری درخواست کند؛ بلکه تمام دستورهای اسلام برای سلامتی تن است و روایات و ادعیه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر دعا برای عافیت و صحت و سلامتی تأکید دارد. به عنوان نمونه امام صادق علیه‌السلام در روایتی پس از بیان برخی از پاداش‌های بیماری در انتهاء می‌فرماید:

«... وَالْعَافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيْنَا؛ ... البته سلامت و تندرستی نزد ما

بہتر است.»

و باز در منابع نورانی روایی مکتب عزیزمان اسلام، می‌خوانیم:

روزی رسول گرامی اسلام ﷺ برای عیادتِ بیماری بر بستر او حاضر شد و از او احوالپرسی کرد. آن بیمار عرض کرد: «نماز مغرب را به امامت شما به جا آوردم و شما در نماز، سوره قارعه را خواندید. پس از آن با خود گفتم: پروردگار! اگر من گناهی کرده‌ام که می‌خواهی در آخرت مرا به کیفر آن برسانی از تو می‌خواهم که تعجیل کنی و در دنیا مرا پاک فرمایی. پس از این دعا بود که چنین بیمار شدم.»

رسول خدا ﷺ به او فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ قُلْتُ أَلَّا قُلْتُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ! چیز بدی خواسته‌ای؛ چرا چنین دعا نکردی که پروردگار! نیکی دنیا و آخرت را نصیب ما کن و مرا از عذاب دوزخ نگاهدار.»

پس از آن رسول خدا ﷺ برای آن مرد بیمار دعا کرد و او بهبود یافت.

بنابراین نه مطلق بیماری را سبب تأیید می‌کند و نه مطلق تندرستی شایسته انسان مؤمن است. به همین علت حضرت موسی علیهِ السلام در دعای خویش، این گونه از خداوند طلب می‌کند:

«يَا رَبِّ لَا مَرَضٌ يُضَيِّبُنِي وَلَا مَرَضٌ يُسَبِّبُنِي وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ وَأَصْبَحُ تَارَةً فَأُشْكِرُكَ»^۱
 پروردگارم! نه آن بیماری [را می‌خواهم] که مرا زمینگیر کند و نه آن تندرستی [را طلب می‌کنم] که به فراموشی تو منجر شود؛ بلکه حالت میانه‌ای را خواستارم. گاه بیمار شوم تا شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا شاکر تو باشم.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز چنین دعا می‌کند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سَقَمٍ يَشْغُلُنِي وَ مِنْ صِحَّةٍ تُلهِينِي»^۲
 خداوند! به تو پناه می‌برم ... از درد و رنجی که مرا به



تندرستی را که مرا از یاد تو منحرف کند



خویش مشغول سازد و از صحت و سلامتی که مرا سرگرم کند.»

و نکتهٔ پایانی این که اسلام دستور به مداوا داده و نزد پزشک رفتن و تلاش برای بهبودی یافتن جزء واجبات است. همانگونه که کسی حق ندارد به بدن خویش آگاهانه ضرر وارد نماید و آن را بیمار کند، حق ندارد به دنبال پی‌گیری بیماری خویش نرود و با این وضع بسازد. در بخشی از روایات ما به این معنا اشاره شده که هر دردی دوايي دارد جز آن‌چه که خداوند متعال مصلحت ندیده و رفتنِ نزدِ طبیب جهتِ بهبودی نیز جزء امورِ بایسته و لازم شمرده شده است. در روایاتِ دیگر نیز استمرارِ بیماری جزء مصیبت‌های بزرگ شمرده شده است که قدمِ اوّلِ برائت از آن به دنبال دوا نمودن آن است.

ماکنون به برخی از این دسته روایات اشاره می‌کنیم:

پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

تَدَاوُّوا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ لَهُ شِفَاءً، إِلَّا السَّامَ وَالْهَرَمَ؛ اخود را مداوا کنید؛ زیرا خداوند متعال هیچ درد را نازل نکرده مگر آن که برای شفا بی نهاد، به جز مرگ و پیری (که دوا بی ندارد).

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ ، فَإِذَا أُصِبتْ بِوَاءِ الدَّاءِ بَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ! ۚ هر دردی رادرومانی است پس چون داروبه درد برسد، به اذن خداوند عَزَّوَجَلَّ بهبود یابد.»

«إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْأَدْوَاءَ خَلَقَ لَهَا دَوَاءً؛ أَنْ كِه دَرْدِهَارَا
آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است.»

«تَدَاوُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُزَلْ دَاءٌ إِلَّا وَ أُنْزِلَ لَهُ شِفَاءٌ»^۴ خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند عزوجل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، شفایی هم نازل کرده است.»

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْ دَاءً - أَوْ لَمْ يَخْلُقْ دَاءً - إِلَّا أَنْزَلَ - أَوْ

خَلَقَ - لَهُ دَوَاءٌ عَلِمَهُ مَنْ عَلِمَهُ ، وَجَهْلُهُ مَنْ جَهْلُهُ إِلَّا السَّامَ . قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا السَّامُ ؟

قَالَ : الْمَوْتُ ؛ اخْدُونِدْ ، هَيْجِ دَرْدِي رَا فَرُو نَفَرِ سِتَادِه (با هیچ دردی را نیا فریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده (با آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته اند و کسانی نیز از آن نا آگاه مانده اند، مگر سام. پرسیدند: سام چیست؟ فرمود: «مرگ».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:
«لِكُلِّ حَتَّى دَاءٍ ، لِكُلِّ عِلَّةٍ دَوَاءٌ ؛ هَر زَنْدِه ای را دردی هست و هر بیماری ای را درمانی است».

و امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند:
«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَتَلَّ الْبَدَنَ بِدَاءٍ ؛ حَتَّى جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يَنْجِي بِهِ ، وَ لِكُلِّ صَنْفٍ مِنَ الدَّاءِ صَنْفٌ مِنَ الدَّوَاءِ ، وَ تَدْبِيرٌ وَ تَعْدِيلٌ ؛ خُداوند عزوجل بدن را به هیچ بیماری ای گرفتار نساخت، مگر آن هنگام که برایش دارویی قرار داد که بدان، درمان شود؛ و برای هر نوعی دردی، نوعی درمان است و چاره ای و نسخه ای».

امام صادق علیه السلام هم می فرماید:
«إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرَضَ فَقَالَ الْإِنْسَانُ الدَّاءُ حَتَّى يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يَشْفِينِي فَأَوْحَى إِلَيْهِ تَعَالَى إِلَيْهِ لَا أَشْفِيكَ حَتَّى تَتَدَاوَى فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي ، زَادَ فِيهِ الدَّوَاءُ مِنِّي . فَجَعَلَ يَتَدَاوَى فَاتَى الشِّفَاءَ ؛ بَیْک پیغمبری بیمار شد و گفت: درمان نکنم تا همان که بیمارم کرده درمان کند، خدا تعالی به او وحی کرد، شفایت ندهم تا مداوا کنی، زیرا شفاء از من است، و در ادامه افزود: و دوا هم از من است. پس مداوا کرد و شفا یافت».

و اما این که استمرار بیماری چه اشکالی دارد در روایاتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می خوانیم که فرمودند:-

۱. المستدرک علی الصحيحین ۴: ۴۴۵. ۲. غرر الحکم، ح ۷۷۲.

۳. بحار الأنوار ۶۲: ۳۰۹. ۴. مکارم الاخلاق: ۴۱۹.



«لَا زَرِيَّةَ أَعْظَمُ مِنْ دَوَامِ سُقْمِ الْجَسَدِ؛^۱ مصیبتی سخت تر از استمرار بیماری نیست.»

«ثَلَاثٌ مِنَ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدِّينِ، وَ دَوَامُ الْمَرَضِ؛^۲ سه چیز از بزرگ‌ترین گرفتاری‌هاست: فراوانی نان‌خوران، چیرگی بدهی، و استمرار بیماری.»

در منابع روایی می‌خوانیم که روزی حضرت موسی بن عمران علیه السلام مریض شد. بنی اسرائیل به عیادتش آمدند مرض او را تشخیص داده گفتند اگر بوسیله فلان گیاه خود را معالجه کنی بهبودی خواهی یافت. گفت دارو استعمال نخواهم کرد تا خداوند بدون دوا مرا شفا عنایت کند. مدتی مریض بود به او وحی شد که به عزت و جلالم سوگند شفا یفت نمی‌دهم مگر این که خود را بوسیله همان دارویی که بنی اسرائیل گفتند، مداوا کنی. آن‌ها را خواست و گفت همان دارو را بیاورید تا خودم عمل بگذارم طولی نکشید بهبودی یافت موسی از اینکه ابتدا چنین گفت، در دل پشیمان بود. خطاب رسید:

«أَرَأَيْتَ إِنْ تَطَّلَعَ بِتَوَكُّلِكَ عَلَى فَمَنْ أَوْدَعَ الْعَقَاقِيرَ مَنَافِعَ الْأَشْيَاءِ؟^۳ موسی خیال داری با توکل خود حکمت و اسرار خلقت مرا بیابی. به جز من چه کسی در ریشه گیاه‌ها این فوائد با ارزش را برار داده است؟»

در پایان با تشکر از تمامی عزیزانی که در آماده‌سازی این کتاب همراه حقیر بودند، ثواب معنوی این اثر را به جانبازان سرافراز هشت سال دفاع مقدس میهن عزیز اسلامی امان تقدیم می‌کنم. امید است شرمنده این عزیزان نباشیم...

قم: آشیانه آل محمد علیه السلام
سعید داودی
۱۳۹۲/۲/۱۷

۱. غرر الحکم، حدیث ۱۰۷۲۶. ۲. غرر الحکم، حدیث ۴۶۷۳.

۳. جامع السعادات ۳: ۲۲۷.